



«ایران» از یافشاری تهران بر شروط اساسی خود جهت رسیدن به توافق خوب گزارش می دهد

اجماع بر حراست از خطوط قرمز

روزهای حساس مذاکرات است و آمریکا باید تصمیم سیاسی خود را بگیرد که آیا مصمم است بهای بلیت ورود به اتاق ۵+۱ و کشوری عضو توافق ۲۰۱۵ را بپردازد یا خیر؟ در حالی بسیاری از ناظران بین المللی منتظر نتایج نهایی گفت و گوهای وین هستند که مذاکرات در مرز توافق یا عدم توافق قرار دارد. گفته معروف دیپلمات ها در خصوص اینکه یا در مورد همه چیز توافق می شود یا در مورد هیچ چیز توافق نخواهد شد اکنون بهتر از هر زمان دیگر خود را نشان داده است.

ریشه یابی بحران اوکراین در جنگ جهانی دوم

روسیه چگونه به رقیبی جالش برانگیز برای آمریکا تبدیل شد؟

بحران اوکراین یک مسأله ناگهانی نیست که در طول چند ماه یا چند سال به وجود آمده باشد. برخی تحلیلگران معتقدند که ریشه اتفاقات کنونی اوکراین را باید در طول چند دهه بویژه از مقطع پس از جنگ جهانی دوم به این سو جست و جو کرد. تحلیل رفتار امروز روسیه بدون در نظر گرفتن سابقه تاریخی آن در نسبت با سایر کشورهای جهان بویژه کشورهای دخیل در تحولات جهان در مقطع پس از جنگ جهانی دوم چندان دقیق نخواهد بود.



نیروهای نظامی روس طی ۷۲ ساعت جنگ را به کی یف کشاندند
چرا در اوکراین مقاومت مردمی شکل نگرفت؟

آغاز مذاکره در حیات خلوت روسیه

بنفشه غلامی / در چهارمین روز از جنگ اوکراین، طرفین درگیر، در کنار ادامه نبردها در میدان و پرتاب گلوله به سمت یکدیگر، حرکت در مسیر دیپلماسی را نیز آغاز کردند و بعد از چراغ سبز رئیس جمهور اوکراین به آغاز مذاکرات، نمایندگان روسیه وارد بلاروس شدند تا با ورود همتهای اوکراینی خود به این کشور، گره بحران را با دستان دیپلماسی بکشایند. در این میان برخی کشورهای غربی نیز از گسیل کمک های نظامی خود به اوکراین خبر دادند.

به گزارش «اسیوتنیک»، پس از آنکه روز شنبه «ولودیمیر زلنسکی» رئیس جمهور اوکراین خبر داد آماده نشستن پای میز مذاکره با مسکو بدون قید و شرط است، وزارت خارجه روسیه با وجود تأکیدهای قبلی بر این مسأله، با چشم بستن بر شرط های خود، دست رد بر سینه «زلنسکی» نزد.

به گفته «دیپمتری پسکوف» با توجه به مخالفت کی یف برای انجام مذاکرات در مینسک، صبح دیروز نمایندگان روسیه وارد شهر گومل در جنوب شرقی بلاروس که نزدیک به مرز هر دو کشور روسیه و اوکراین است، شدند و اعلام کردند: «منتظر ورود نمایندگان اوکراین هستیم». اما ساعتی بعد «زلنسکی» از طریق اکانت تلگرامی خود، پیامی را منتشر و اعلام کرد، کی یف بلاروس را به عنوان محل مذاکرات نمی پذیرد زیرا بسیاری از موشک هایی که شهرهای شمالی اوکراین را هدف گرفتند، از بلاروس شلیک شدند.

به گزارش «اسیوتنیک»، پس از آنکه روز شنبه «ولودیمیر زلنسکی» رئیس جمهور اوکراین خبر داد آماده نشستن پای میز مذاکره با مسکو بدون قید و شرط است، وزارت خارجه روسیه با وجود تأکیدهای قبلی بر این مسأله، با چشم بستن بر شرط های خود، دست رد بر سینه «زلنسکی» نزد.

به گفته «دیپمتری پسکوف» با توجه به مخالفت کی یف برای انجام مذاکرات در مینسک، صبح دیروز نمایندگان روسیه وارد شهر گومل در جنوب شرقی بلاروس که نزدیک به مرز هر دو کشور روسیه و اوکراین است، شدند و اعلام کردند: «منتظر ورود نمایندگان اوکراین هستیم». اما ساعتی بعد «زلنسکی» از طریق اکانت تلگرامی خود، پیامی را منتشر و اعلام کرد، کی یف بلاروس را به عنوان محل مذاکرات نمی پذیرد زیرا بسیاری از موشک هایی که شهرهای شمالی اوکراین را هدف گرفتند، از بلاروس شلیک شدند.

■ ادامه در صفحه ۵

چرا غرب، مقصر بحران اوکراین است

تحلیل
جان مرشایمر؛ نظریه پرداز آمریکایی
مترجم: زهره سفیری

بر اساس منطق حاکم بر غرب، بحران اوکراین دلیلی جز تهاجم روسیه ندارد و «ولودیمیر پوتین»، رئیس جمهور روسیه با الحاق کریمه در صدد احیای دوباره اتحاد جماهیر شوروی است و ممکن است بتدریج نه تنها بخش های دیگر اوکراین که حتی بسیاری از کشورهای اروپای شرقی را نیز بخواهد.

اما این محاسبات اشتباه است: آمریکا و شرکای اروپایی اش، مسئولان بزرگ این بحران به شمار می روند و اساس آن از تفکر بسط ناتو به عنوان هسته اصلی استراتژی خارج کردن اوکراین از دایره حاکمیتی روسیه و ادغام آن در غرب نشأت می گیرد. همزمان پیشروی اتحادیه اروپا در شرق و حمایت غرب از جنبش های حامی دموکراسی در اوکراین که با انقلاب نارنجی سال ۲۰۰۴ آغاز شد نیز اهمیت بسیاری داشت. مخالفت رهبران روسیه با گسترش ناتو از اواسط دهه ۹۰ تاکنون تداوم دارد و آنها به وضوح اعلام کرده اند که هرگز بدل شدن همسایگان مهم شان به سنگر غرب را تاب نخواهند آورد و در واقع الحاق کریمه نیز پس از برکناری دولت حامی روسیه از اوکراین، پاسخی بود که پوتین با نگرانی از بدل شدن این منطقه به پایگاه دریایی ناتو داده بود. اما غافلگیری نخبگان سیاسی آمریکا و اروپا از وقایع تنها به دلیل اجرای نسخه تم کشیده آنها از سیاست بین الملل است که تطابقی با قرن ۲۱ ندارد.

رهبران اروپا و آمریکا برای تبدیل اوکراین به پایگاه خود در مرزهای روسیه دچار اشتباه شده اند و حالا که تبعات آن برایشان آشکار شده است، اصرار بر اجرای سیاست هایشان می تواند اشتباهی به مراتب بزرگتر را ایجاد کند.

می کردند چراکه بر اساس قوانین ژئوپلیتیکی، قدرت های بزرگ همواره بر تهدیدات بالقوه در نزدیکی قلمروشان حساس هستند. بنابراین مقامات آمریکا و متحدان اروپایی اش در صدد برآمدند تا مسکو را بر اینکه ناتو تهدیدی برای این کشور نخواهد بود، متقاعد کنند و حتی در سال ۲۰۰۲ شورای ناتو- روسیه را راه اندازی کردند اما همچنان نگرانی ها بویژه درباره اوکراین و گرجستان از بین نرفت.

«جورج کان» دیپلمات آمریکایی در مصاحبه سال ۱۹۹۸ هم نسبت به تبعات گسترش ناتو به سمت شرق هشدار داده بود: «به نظر روسیه بتدریج به این موضوع واکنش نشان داده و سیاست هایش تغییر خواهد کرد. این اشتباهی اسفبار است چراکه هیچ دلیلی برای آن نیست.» در مقابل اما بسیاری از لیبرال ها که اعضای کلیدی دولت کلبنتون نیز جزو شان بودند بر بسط ناتو اصرار داشتند و از آنجا که تفکر لیبرال درباره مفهوم امنیت اروپایی حاکم شده بود، مخالفان واقعی نیز درباره این امر وجود نداشت. بر این اساس، طرفین دو یا دستور کار متفاوتی را آغاز کردند: پوتین و هم پیمانانش بر اساس اصول واقع گرایی می اندیشیدند و غرب و هم پیمانانش تفکر لیبرال را در سیاست بین الملل پیاده می کردند و نتیجه آن شد که آمریکا و هم پیمانانش ندانسته جرقه بحرانی بزرگ در اوکراین را روشن کردند.



گرفته شد. به این حال یک روز بعد شرایط به هم ریخت و رئیس جمهوری وقت اوکراین به روسیه پناهنده شد. پس از آن از آنجا که دولت جدید کی یف، ضد روس و حامی غرب بود، شکی باقی نمی گذاشت که واشنگتن پشت این کودتا قرار داشته است. بهترین فرصت برای پوتین فراهم شده بود و ۲۲ فوریه دستور ورود نیروهای نظامی به کریمه داده و بلافاصله الحاق آن به روسیه نیز اعلام شد. گام بعدی پوتین، اعمال فشار بر دولت جدید کی یف و ترغیب آنها به خروج از سایه غرب بود و در نهایت نیز روسیه با تجهیز جدایی طلبان روس در شرق اوکراین علاوه بر ایجاد جنگ داخلی، بهای فروش گاز طبیعی به اوکراین را نیز بسیار بالا برد.

گرچه موضع مسکو برای واشنگتن خوشایند نبود اما آنها منطق این رفتار را بخوبی درک

راه گریز
در حالی که بسیاری از رهبران غربی تأکید بر انکار این واقعیت دارند که رفتار پوتین پاسخی بر دغدغه های امنیتی به شمار می رود، تعجبی نیست که بر سیاست های موجود و بازدارنده در برابر روسیه اصرار داشته باشند. اما نه آمریکا و نه ناتو آمادگی مقابله نظامی برای دفاع از اوکراین را ندارند و در عوض بر تحریم های اقتصادی علیه روسیه تأکید دارند. در ماه جولای، آمریکا و اتحادیه اروپا سومین دور تحریم ها علیه دولت روسیه را در حوزه بانکی، انرژی و دفاعی اعمال و حتی تهدید به تحریم کامل اقتصادی مسکو کردند. این در حالی است این حجم تحریم ها تأثیر چندانی بر روسیه ندارد چراکه کشورهای اروپای غربی بویژه آلمان نگران مقابله به مثل روسیه و خسارت جدی اقتصادی اتحادیه اروپا هستند. با این حال حتی اگر آمریکا بتواند آنها

را به تحریم های سخت تر نیز متقاعد کند، در تصمیم پوتین تأثیری نخواهد داشت چراکه تاریخ نشان داده است کشورها برای حفاظت از منافع استراتژیک شان مجازات های به مراتب بزرگتر را نیز می پذیرند و روسیه نیز از این قانون مستثنی نیست. در این میان تنها راهکار حل بحران اوکراین، تغییر اساسی تفکر غرب درباره این کشور است. به عبارت دیگر آمریکا و متحدانش باید از غربی سازی اوکراین دست برداشته و در عوض آن را به عنصری بی طرف میان ناتو و روسیه بدل کنند؛ اتفاقی که برای اتریش در جنگ سرد رخ داد. برای نیل به این هدف، واشنگتن و شرکایش باید به طور علنی عضویت اوکراین و گرجستان را به نام رد کنند. دیگر زمان آن است که غرب از ایجاد انقلاب نارنجی دیگر دست بکشد در غیر این صورت باید اوکراینی ها را به پذیرش خواست اقلیت های این کشور ترغیب کند. شاید برخی تغییر سیاست در قبال اوکراین را به نابودی دیر هنگام و سیاستی مخرب برای اعتبار آمریکا در جهان بدانند اما بدون شک این هزینه باید پرداخت شود تا بتوان از بروز خسارت های بزرگتری که استراتژی اشتباه جلوگیری کرد. شاید بعضی ها نیز معتقد باشند که باید به اوکراین حق تصمیم گیری میان روسیه و غرب را داد اما این خطرناک ترین راهی است که می توان برای سیاست خارجی اوکراین پیشنهاد کرد؛ چراکه ممکن است این تصمیم در اوج بازی ابرقدرت ها سرنوشت تلخی را رقم بزند. بنابراین وقت آن است که آمریکا و شرکای اروپایی اش در مسأله اوکراین تصمیم بگیرند. آنها می توانند سیاست فعلی را ادامه دهند و با تشدید خشونت ها علیه روسیه، اوکراین را به نابودی کامل و سناریوی باخت همه طرف ها بکشاند و یا جهت حرکت شان را تغییر دهند و برای ایجاد یک اوکراین بی طرف تلاش کنند. کشوری که نه تنها تهدیدی برای روسیه نباشد بلکه به نقطه عطفی برای بهبود روابط با غرب بدل شود. دستاوردی که برای همه طرف ها برد- برد خواهد بود.

مقاله حاضر در سال ۲۰۱۴ همزمان با الحاق کریمه به خاک روسیه نوشته شده اما این روزها همزمان با آغاز بحران دیگری در اوکراین، محتوای آن محل ارجاع بسیاری از رسانه های غربی قرار گرفته است. متن حاضر خلاصه ای از آن مقاله است.

منبع: Foreign Affairs